

تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پی آمدهای آن

محمد علی اختری*



*. سردفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران و نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پی آمدهای آن

مقدمه

یکی از موضوعات مطروحه در حقوق بین الملل خصوصی در حال حاضر مسئله وضع بیگانگان مقیم در هر کشور است.

چون مراودات اتباع کشورها با یکدیگر و مسافرت‌های میسیونرهای تجاری، مذهبی، سیاسی، پناهندگان و فراریان در طول تاریخ ملل به طور مستمر اتفاق افتاده است لذا توجه به وضع بیگانگان در کشورهای مختلف در قرون متمادی موجب پیدا شدن مقررات خاصی در عرصه حقوق بین الملل گردیده است که جای مطالعه آنها بیشتر در تاریخ حقوق و یا در بخش حقوق بین الملل خصوصی کشورها می باشد. با بررسی و تدقیق در سیر تحول وضع بیگانگان مسئله خاصی هم تحت عنوان کاپیتولاسیون ایجاد شده و مدتی هم در ایران برقرار بود و آثار و عواقب بسیار نامطلوبی داشته است که در این رساله مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است، و امید چنان است که مورد توجه خوانندگان قرار گیرد.

تعریف کاپیتولاسیون

برای این لغت معانی بسیاری ذکر شده که به مقداری از آنها اشاره می شود:

۱- در دایرةالمعارف بین المللی ذیل کلمه «کاپیتولاسیون» می نویسد:

کاپیتولاسیون نامی است که به پیمانهای منعقد شده میان حکومت عثمانی و دولتهای اروپایی داده شده است که به موجب آن پیمانها اتباع دول اروپایی از حقوق برون مرزی در داخل امپراطوری عثمانی برخوردار می شدند این اصطلاح CAPITULATION مشتق از کلمه لاتینی CAPITULA به معنی فصل بندی است، زیرا این پیمانها معمولاً دارای چندین فصل بوده است.^۱

۲- در دایرةالمعارف آمریکا نادر معنی واژه کاپیتولاسیون چنین اظهار نظر شده است: واژه CAPITULATION از لحاظ ادبی سه معنی دارد:

الف - شرایطی که به وسیله امپراطوران رومنهایی مقدس پذیرفته شده بود.

ب - تسلیم به وسیله قوای نظامی به موجب قرارداد.

ج - اعطای حق قضاوت کنسولی به وسیله دولت عثمانی به اتباع سایر کشورهای

اروپایی.^۲

۳- در دایرةالمعارف بریتانیکا در ذیل همان واژه می نویسد: واژه

CAPITULATION برگرفته از کلمه CAPITULA و معنای آن فصل و بخش

می باشد. زیرا چنین قراردادهایی که توسط دولت عثمانی با سایر دول منعقد گردیده به

چندین فصل یا بخش تقسیم می شده است.^۳

۴- در کتاب ایرانشهر در ذیل صفحه ۵۴۱ می نویسد: CAPITULATION یک

اصطلاح حقوقی است که برای وضع امتیاز اتباع دول مسیحی در ممالک مسلمان و آسیا

در قرن ۱۸ بوجود آمد.^۴

۵- در دایرةالمعارف مصاحب در ذیل کلمه کاپیتولاسیون چنین می نویسد: «وضع

ناشی از قراردادهایی که دول زورمند و استعمارگر، خاصه از قرن ۱۹ میلادی به دول

ضعیف تحمیل می کردند و به موجب آن آن قراردادهای، اتباع دول استعماری، پس از ورود

۱. ENCYCLOPEDIA INTERNATIONAL ج ۴، ص ۸۳

۲. ENCYCLOPEDIA AMERICANA ج ۵، ص ۵۶۷

۳. ENCYCLOPEDIA BRITANICA ج ۱۹۶۲، ج ۴، ص ۸۵۱

۴. ایرانشهر، نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، ج اول، ص ۵۴۱، ۱۳۴۳.

به قلمرو دولت ناتوان، تحت حاکمیت محاکم آنها را نداشتند. این گونه قراردادها را معمولاً دولتهای اروپایی به دولتهای آسیایی و آفریقایی تحمیل می‌کردند و بهانه آنها این بود که محاکم و سازمانهای دول آسیایی و آفریقایی قادر بر اجرای عدالت و دفاع از حقوق اتباع آنها نیستند»^۱.

۶- مرحوم دکتر عبدالله معظمی استاد دانشگاه تهران، کاپیتولاسیون را چنین معنی می‌کند: برای کاپیتولاسیون معانی مختلفی ذکر شده است که مهمترین آن معانی به قرار زیر است:

اول - کاپیتولاسیون در لغت به معنای فصل‌بندی و طبقه‌بندی مطالب است.
دوم - بعضی از اروپائیان می‌گویند که کاپیتولاسیون به معنای متارکه جنگ است زیرا مسلمانان معتقدند که بین کفار و مسلمین هیچ وقت صلح دائمی نباید وجود داشته باشد و به همین جهت این معاهدات در واقع جنگ بین کفار و مسلمین را متارکه کرده و به طور موقت صلحی بین آنان برقرار می‌سازد.

سوم - کاپیتولاسیون عبارت است از معاهداتی که به موجب آن، بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل و از برخی حقوق و مزایا به طور اختصاص بهره‌مند می‌شوند به عبارت دیگر کاپیتولاسیون عبارت است از حق قضاوت خارجیان در کشور بیگانه.^۲ و مرحوم علامه دهخدا هم عین همین تعریف را با ذکر مأخذ در لغت نامه آورده است.^۳ و تمام مطالب لغت نامه برگرفته از رساله دکتر عبدالله معظمی است.

۷- آقای دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی می‌نویسند: کاپیتولاسیون یعنی حق قضاوت بیگانگان در کشوری، این نوع قضاوت در شریعت اسلام پیش بینی شده ولی در اوایل به علت قدرت حکومت اسلامی احتمال خطر نمی‌رفت.^۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. دایرةالمعارف فارسی، ج دوم، بخش اول، تهران، ۱۳۵۶، ص ۳۵.
۲. دکتر عبدالله معظمی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۱۱۲.
۳. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، جزوه ۳۴، تهران، ۱۳۳۶، ص ۳۴.
۴. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ج دوم، بدون تاریخ، شماره ۴۴۲۹، ص ۵۶۱ و فرهنگ حقوقی از ایشان بدون تاریخ، معرفت، تهران، ص ۲۲۶.

۸- شارل روسو فرانسوی می نویسد: کاپیتولاسیون یعنی معاهده‌ای که در آن دولتی می پذیرد حقوق و مزایایی را در سرزمین تحت اختیار خود برای خارجی‌ان محترم شمارد.^۱

۹- دکتر امیرخان سپهوند قاضی دیوان کشور تعریف دیگری از کاپیتولاسیون دارند، ایشان می نویسند: کاپیتولاسیون به معنی تسلیم است و بر قراردادی که حاوی واگذاری صلاحیت باشد نیز اطلاق می گردد. از لحاظ لغوی گفته شده که کاپیتولاسیون از کلمه لاتینی CAPITULARE یا کلمه ایتالیایی CUPITULARYRONEN مشتق شده و به معنی و مفهوم عهدنامه و قرارداد می باشد. عده‌ای از نویسندگان عقیده دارند که چون در زمان انعقاد اولین معاهده بین اعراب مسیحیان، زبان نیمی از مردم، ایتالیایی بوده به این لحاظ مشتق بودن واژه کاپیتولاسیون از کلمه ایتالیایی با واقعیت تطبیق بیشتری دارد.^۲

۱۰- مرحوم دکتر محمد مصدق نخست وزیر ملی ایران در زمان ملی شدن نفت، کاپیتولاسیون را چنین تعریف می کنند: کاپیتولاسیون عهدنامه‌هایی است که بین دول اروپایی با دولت عثمانی منعقد شده است برای حفظ اتباع دول اروپایی و منافع آنها در قلمرو دولت عثمانی.^۳

۱۱- معانی دیگری هم ذکر شده است مانند معاهده، تسلیم قلعه‌ای مستحکم یا ارتش به دشمن و ترک مقاومت در امر مورد تأیید خود و یا حقوق برون مرزی یا حقوقی که کشوری به اتباع کشور دیگری که در خاک آن سکنی دارند اعطا می کند که ذکر تمامی آنها موجب تطویل مقال است.

با توجه به تعاریف بالا از منابع مختلف می توانیم تعریف نهایی را از کاپیتولاسیون چنین بیان کنیم که کاپیتولاسیون نوعی حقوق برون مرزی است که کشور ضعیفی به

۱. شارل روسو فرانسوی، حقوق بین الملل عمومی، ج ۳، به نقل از دکتر محمود سلجوقی، حقوق بین الملل خصوصی، ج اول، چ تهران، ۱۳۷۰، صص ۸۲ و ۸۳.

۲. دکتر امیرخان سپهوند، صلاحیت مراجع قضایی در امور کیفری در حقوق ایران، پایان نامه دکتری حقوق، سال تحصیلی ۷۲ - ۷۱ به نقل از دکتر فرج اله ناصری، مقاله کاپیتولاسیون مجله حقوقی دادگستری شماره ۳ سال ۱۳۴۵.

۳. دکتر محمد مصدق، کاپیتولاسیون و ایران، تهران، سال ۱۳۳۲ قمری.

اتباع کشور زورمند می‌دهد و آنها را از تحت حاکمیت محاکم محلی خارج می‌نماید، و رفع و رجوع دعاوی حقوقی و جزایی آنها را به عهده نماینده سیاسی کشور زورمند مقیم در کشور محلی واگذار می‌نماید و این نوع حقوق بر مبنای معاهدات ظالمانه‌ای است که بر دولت ضعیف تحمیل می‌شود و بهانه آنها عدم وجود مقررات مدون در زمینه حقوق داخلی و وضع بیگانگان است.

